



هفده مردادماه روز خبرنگار
بر طلایه داران عرصه
شفاف سازی و اطلاع رسانی
تبریک و تهنیت باد!

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



سال پانزدهم
شماره ۱۷۱
مرداد ۱۴۰۴

سال پانزدهم | شماره ۱۷۱ | مرداد ۱۴۰۴

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

حسن صادقی:

**نگاه توام با احساسات و عواطف مذهبی واجتناب از خرد گرایی در خصوص اتباع بیگانه،
تصمیم گیری مارا دچار یله گی، وادادگی و گرفتار شدن در تله روزمره گی کرده**

صفحه ۵ و ۵

صفحه ۵

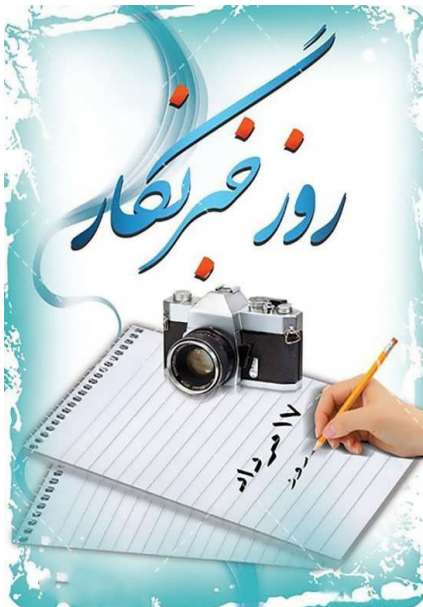
بدهی دولت به تأمین
اجتماعی باید با سود
مرکب پرداخت شود

صفحه ۶

لطیفه ای شنیدنی که واقعیت
تلخی را بیان میکند
من گاو هستم، پدر گوساله!

صفحه ۷

بیمه ها در تاب آوری دوره
جنگ و پسا جنگ



صفحه ۲

تصمیمی که به ضرر
بازنشستگان شد

صفحه ۳

بدهی دولت به سازمان تأمین
اجتماعی مانند مهریه به نرخ روز
محاسبه نشود
شورای عالی کار است که فوراً برای ترمیم
دستمزد یک جلسه اضطراری تشکیل دهد

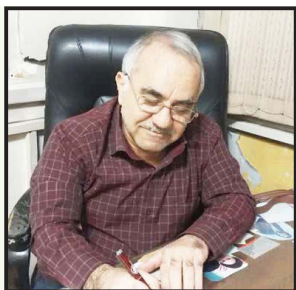
صفحه ۴

عملکرد دولتهای سیزدهم
و چهاردهم در خصوص اتباع بیگانه
مصادق بارز افراط و تفریط

سید مجتبی قریشیان

به قلم سردبیر

نگاه اول



حرمت قلم را پاس بداریم

روز خبرنگار، بر طلایه داران عرصه روشنگری و صاحبان قلم های
آزاد، تبریک و تهنیت باد.

سر تعظیم در مقابل صاحبان قلم های آزادی که حرمت قلم را پاس می دارند و از حریم آزادی و امنیت
اجتماعی دفاع میکنند فرود می آوریم.

یادمان باشد که قلم به قدری حرمت دارد که خالق آگاهی و آزادی به قلم و به آنچه که می نگارد سوگند
یاد کرده است. توجه داشته باشیم که قلم در هر جامعه ای نماد و سمبل تفکر است، تفکر گوهر گرانبهایی
که نزد انسان به ودیعه گذاشته شده و انسان را در پیشگاه خداوند متعال و در خصوص اعمال خودش
پاسخگو قرار داده است. قلم قدرت آفرین است و می تواند بر معادلات جامعه اثرات شگرف و غیر
قابل باوری داشته باشد. این خواندن و نوشتن است که موجب رهایی انسان از چهل مرکب و هرگونه

قید و بندی میشود. اگر نیک بنگریم ریشه ی تمام بدبختی ها و تیره روزی ها گرفتاریها و مصیبت های انسان، چهل مرکب اوبود و هست و خواهد بود
اسلحه ارباب و اصحاب رسانه و آزاداندیشان قلم است، اداره ی درست امور یک جامعه ی مدنی، بدون در نظر گرفتن نقش بی بدلیل اصحاب رسانه و
قلم بدستان آزاداندیش و سلیم النفس امکان پذیر نمی باشد. صاحبان خرد و اندیشه و انسانهای آزاده به مدد قدرت قلم است که افکار عمومی را بر علیه
متجاوزان به حقوق اجتماعی و مردم ساماندهی میکنند و از این طریق دولت ها و نهاد ها و اصحاب قدرت را در خصوص اعمالشان وادار به پاسخگویی
در مقابل مردم می کنند و موجبات، امنیت و آزادی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی جامعه را فراهم میکنند. اگر در بین مدیران جامعه ما پاسخگویی
وجود داشت و قدرت قلم بکار گرفته میشد و به قلم های آزاد اجازه نگارش داده میشد، بسیاری از فسادها و اختلاس ها و کجروی ها صورت نمی گرفت یا
اگر هم انجام میشد بجا و به موقع شناسایی و درمان میشد. توجه داشته باشیم که این صاحبان قلم های آزاد بوده اند که هرگونه کجروی و کژی را به موقع
تشخیص داده اند و آنها را افشا و رسوا کرده اند و بدین وسیله امنیت جامعه را حفظ کرده اند. و در این راه حتی از ایثار جان خود نیز دریغ نکرده اند.

لغت به کسی که قلمش را بفروشد:

ارزش قلم های آزادی که دربراه کنارزدن پرده های تاریک چهل مرکب و گسترش آگاهی و روشنی بخشی به جامعه به نگارش درآمده اند به هیچ قیمتی
خریدنی نیست. در اینجا خالی از لطف نیست که به مجموعه اشعار سروده حسین نظری که در ارتباط با بحث مورد نظر ماست اشاره ای داشته باشیم.

جمشید اگر جام جمش را بفروشد. مجنون لقب محترمش را بفروشد

آدم برود محضر جبرئیل امین و تک برگی حق القدمش را بفروشد

شاعر بنشیند لب اندوه خیابان چای و غزل تازه دمش را بفروشد

قایل برای دبه حضرت هابیل، یک دانگ هوای حرمش را بفروشد

درویش، تبریز بنزد بادل کشکول، در کوچه خیابان کرش را بفروشد

من میخرم اینها که فروشی است ولیکن لغت به کسی که قلمش را بفروشد.

«انالله و انا الیه راجعون»

برادر ارجمند جناب آقای سید مجتبی قریشیان

سردبیر محترم نشریه ماهنامه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و بلوچستان

ضایعه درگذشت والده مکرمه همسر گرانقدرتان و خاموش شدن این شمع نورانی را به حضرت تعالی، همسر
ارجمندتان و بیوت معزز و داغدار و کلیه بستگان تسلیت و تعزیت عرض می نمایم. از درگاه خالق هستی
غفران الهی، علو درجات و حشر با ائمه معصومین علیه السلام برای آن مرحومه، صبر و شکیبایی برای
بازماندگان و سلامتی و بقای عمر با عزت حضرت تعالی و همسر گرانقدرتان را مسئلت می نمایم.
روحشان شاد و قرین رحمت بی انتهای الهی باد.

حسن صادقی - معاون دبیر کل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



حسن صادقی

سخن مدیر مسئول

روز پزشک بر طلایه داران و حافظان نظام سلامت جامعه مبارک باد

قدردان زحمات و تلاشهای بی وقفه پزشکانی هستیم که بی هیچ
چشم داشتی در خدمت نظام سلامت کشور هستند

تحقق مطالبات پزشکان

تضمین کننده پایداری نظام درمانی است

تحقق مطالبات جامعه پزشکی کشور نه تنها قدردانی واقعی از تلاش های آنان است، بلکه
تضمین کننده سلامت و پایداری نظام درمانی کشور در آینده نیز هست.

اول شهریورماه، سالروز بزرگداشت حکیم فرزانه، شیخ الرئیس ابوعلی سینا و روز پزشک،
فرصت مغتنمی است برای پاسداشت مقام والا و ارزشمند پزشکان گرانقدری که با علم، تعهد،
انسانیت و فداکاری خویش، همواره مرهمی بر آلام جسم و جان بیماران بوده اند.

جامعه پزشکی کشور، به ویژه در سالهای اخیر، در شرایط سخت و پرچالش، از همه گیری
کرونا گرفته تا ایام جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، نقشی خطیر و بی بدیل ایفا کرده
است. در این دوران، پزشکان و کادر درمان نه تنها در بیمارستان ها و مراکز درمانی، بلکه در
خطوط مقدم امداد رسانی و کمک به مجروحان، با ایثار و از خودگذشتگی، جلوه های دیگر از
رسالت انسانی و انقلابی خویش را به نمایش گذاشتند.

بی تردید، شأن و جایگاه پزشکان و کادر درمان در جامعه امروز ایران، ایجاب می کند که
مسئولان و تصمیم سازان کشور بیش از پیش به دغدغه ها و مطالبات به حق آنان توجه کنند؛ از
جمله تأمین امنیت شغلی، اصلاح نظام پرداخت و تعرفه گذاری عادلانه، ارتقای زیرساخت های
بهداشتی و درمانی، ایجاد زمینه برای آموزش، پژوهش و ارتقای علمی، بهبود شرایط کاری،
رفع مشکلات معیشتی، توجه به رفاه اجتماعی و ارتقای جایگاه علمی و حرفه ای و توجه به
شأن و کرامت انسانی و حرفه ای این قشر فرهیخته. تحقق این مطالبات نه تنها قدردانی واقعی
از تلاش های آنان است، بلکه تضمین کننده سلامت و پایداری نظام درمانی کشور در آینده نیز
خواهد بود.

اینجانب ضمن تبریک روز پزشک به تمامی پزشکان شریف و پرتلاش کشور، بالأخص
پزشکان گرانقدری که در حوزه درمان مستقیم تأمین اجتماعی فعالیت دارند و به ویژه به پزشکان
بزرگواری که نگاه و عرق و ویژه ای نسبت به جامعه کارگری شاغل و بازنشسته دارند و بی دریغ
به ارائه خدمت به آنها مشغولند، از خداوند متعال سلامتی، عزت و توفیقات روزافزون برای
این قشر خدمت مستلث دارم و امیدوارم با توجه جدی به خواسته ها و نیازهای آنان، شاهد
ارتقای هر چه بیشتر خدمات درمانی در جهت اعتلای سلامت جامعه باشیم.

حسن صادقی

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری
و رئیس کمیته بیمه و درمان

پشت پرده فروش دارایی‌های تامین اجتماعی:

تصمیم‌گیری به ضرر بازنشستگان



همه دچار مشکل خواهند شد.

سازمان تأمین اجتماعی که روزی صادرکننده منابع مالی بود و به دولت‌ها کمک می‌کرد، امروز به دلیل نبود حمایت‌های حاکمیتی و اتخاذ سیاست‌های نادرست، به نهادی نیازمند تبدیل شده است؛ تا جایی که آن را در آستانه وابستگی به نهادهایی مانند کمیته امداد می‌دانند! در حالی که سازمان تأمین اجتماعی نهادی عمومی و غیردولتی است و براساس قوانین، باید مستقل و از طریق منابع بیمه‌ای خود اداره شود. چرا نباید مطالبات این سازمان را هر ساله پرداخت کنند تا امروز به این روز بیفتند و بعد این سازمان را مکلف به فروش اموال کنند؟! سؤال اصلی اینجاست که امروز چه کسی توان مالی کافی دارد تا مثلاً یکی از پتروشیمی‌های بزرگ کشور را خریداری کند؟ آیا واقعاً سازمان تأمین اجتماعی یا سایر بازیگران اقتصادی، توان پرداخت چنین مبالغ کلانی را دارند؟

صادقی تأکید کرد: تأمین اجتماعی نباید دچار چنین بحران‌هایی شود؛ بلکه باید با اصلاح نگاه‌های حاکمیتی و تقویت رویکردهای راهبردی، از آن

سیاست‌هایی که در خصوص نحوه واگذاری اموال سازمان تأمین اجتماعی اتخاذ شد، باعث شکل‌گیری نوعی دوگانگی و تعارض منافع شد.

اگر دولت توان فروش دارایی دارد، چرا اموال خود را نقد نمی‌کند و مستقیماً منابع نقدی را در اختیار سازمان تأمین اجتماعی قرار نمی‌دهد؟

به عنوان یک ستون فقرات نظام رفاه اجتماعی حفاظت و حمایت کرد. وی در پاسخ به این سؤال که «آیا هدف، فروش سهام شرکتهای زیان ده است؟» گفت: اگر مینا فروش شرکت‌های زیان‌ده است، باید پرسید چه منطقی پشت خرید آن‌هاست؟ آیا خریداران، واقعی هستند یا این معاملات قرار است صرفاً روی کاغذ انجام شود و پولی هم پرداخت نشود؟ یا زیرساخت‌های انرژی، صنایع ناکارآمد، ضعف در پیوست‌های جهانی و عدم دسترسی به فناوری‌های روز، کدام مؤلفه‌ها قرار است این شرکت‌ها را سودده کنند که فرد به سمت خرید برود و به امید سودده کردن آن باشد؟

صادقی ادامه داد: حتی اگر فرض کنیم فرد یا نهادی شرکتي را خریداری کند و این شرکت را به سوددهی برساند. باید بتواند تولیدات خود را صادر کند، حالا حتی اگر تولیدات را هم صادر کرد پول خود را چگونه می‌تواند دریافت کند؟ ما مشکلات اساسی داریم و به همین سادگی‌ها نمی‌شود یک شرکت را به سوددهی رساند و این را آن‌ها که دستی در کار دارند می‌دانند. پس اینطور نیست که بروند و بگویند ما سهام این شرکت زیان ده را می‌خریم و آن را سودده می‌کنیم.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: بحران سازمان تأمین اجتماعی را دولت‌ها ایجاد کرده‌اند. دولتهایی که تعهدات حاکمیتی به سازمان تحمیل کردند و بدهی آن را ندادند، سازمان را به این وضعیت رساندند. دولت‌ها دائم می‌گویند چرا طلب‌های سازمان تأمین اجتماعی در دولت‌های پیشین مطالبه نشد و چرا ما باید مجموع این طلب‌ها را بپردازیم؟ این پاسخگو نبودن، سازمانی را که باید تکیه‌گاه مردم باشد، به مرحله فروپاشی رسانده است و این را ظاهر دولت‌ها باور ندارند!

صادقی گفت: قانون به صراحت اعلام می‌کند که دولت مکلف به پرداخت

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در انتقاد از سیاست فروش سهام شرکتهای تأمین اجتماعی گفت: اگر مینا فروش شرکت‌های زیان‌ده است، باید پرسید چه منطقی پشت خرید آن‌هاست؟ آیا خریداران، واقعی هستند یا این معاملات قرار است صرفاً روی کاغذ انجام شود و پولی هم پرداخت نشود؟

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، در انتقاد از سیاست واگذاری اموال سازمان تأمین اجتماعی گفت: در زمان تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه، هنگامی که باید مخالفت‌های جدی و مؤثری صورت می‌گرفت، متأسفانه بسیاری به دلیل ارتباطات با نمایندگان مجلس و دولت سیزدهم سکوت کردند. باید در همان مقطع یعنی در سرچشمه، جلوی جریان مشکلات را می‌گرفتیم، نه اکنون که بحران ابعاد گسترده‌تری یافته است. وی ادامه داد: مصیبت‌هایی که امروز دامن‌گیر ما شده، صرفاً مربوط به امروز نیست؛ ریشه در گذشته دارد. زمانی که بند شش ماده ۲ نحوه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بر روی میز قرار گرفت، ما اقدام کردیم، اما دیگران از حضور خودداری کردند. ما هزینه این ایستادگی را هم پرداخت کردیم.

صادقی بیان کرد: سیاست‌هایی که در خصوص نحوه واگذاری اموال سازمان تأمین اجتماعی اتخاذ شد، باعث شکل‌گیری نوعی دوگانگی و تعارض منافع شد. از طرفی می‌گویند دولت موظف بود بدهی‌های خود به سازمان تأمین اجتماعی را از طریق واگذاری سهام قابل عرضه در بورس، دارایی‌ها، و املاک و مستغلات پرداخت کند،

از طرفی سازمان تأمین اجتماعی را مکلف به فروش دارایی‌های خود به ثمن بخش می‌کنند. حتی در مواردی تهدید می‌شود که اگر سازمان نسبت به فروش دارایی‌هایش اقدام نکند، دولت رأساً وارد عمل خواهد شد و این اموال را به فروش خواهد رساند!

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: سؤال اینجاست که اگر دولت توان فروش دارایی دارد، چرا اموال خود را نقد نمی‌کند و مستقیماً منابع نقدی را در اختیار سازمان تأمین اجتماعی قرار نمی‌دهد؟ مسئله این است که نمایندگان مجلس در زمان تصویب قوانین، متأسفانه دچار نوعی انفعال و خواب‌زدگی هستند.

وی گفت: دولت نیز در فرآیند تدوین بودجه، صرفاً اقدام به تنظیم جدولی آماری تحت عنوان بودجه سالانه می‌کند؛ بی‌آنکه چشم‌اندازی بلندمدت و راهبردی در کار باشد. به همین دلیل است که اگر به تجربه دولت‌های نهم و دهم تا امروز بنگریم، می‌بینیم که برنامه‌ها بیشتر روزمره و کوتاه‌مدت بوده‌اند، نه بلندمدت و مبتنی بر اسناد بالادستی و چشم‌اندازهای توسعه‌ای. نتیجه آن شده که اکنون صنایع مادر کشور، برخی صندوق‌های بیمه‌گر و حتی سازمان تأمین اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. صادقی تأکید کرد: دولت‌ها پس از دولت نهم و دهم دچار نوعی رویکرد روزمره و غیرراهبردی شدند. اگر تصمیم‌گیری‌ها بر اساس منافع ملی و در چارچوب دیدگاه بلندمدت انجام می‌شد، نباید امروز در چنین شرایطی قرار می‌گرفتیم. متأسفانه منافع ملی کشور در بسیاری از موارد قربانی دیدگاه‌های بخشی‌نگر، جناحی، منطقه‌ای و سیاسی شده است. سازمان تأمین اجتماعی هم مستثنی نیست از این وضعیت. ما همگی در یک کشتی هستیم که در آن تأمین اجتماعی، صنعت فولاد، صندوق بازنشستگی کشوری و دیگر نهادهای مشابه حضور دارند. اگر این کشتی آسیب ببیند،

دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی و مشاور عالی مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی:

داستان چند دهه مطالبات معوق سازمان از دولت؛ از انکار بدهی‌ها تا تهاتر دارایی‌ها

بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی مانند مهریه به نرخ روز محاسبه شود:



متأسفانه نیست، وضعیت به گونه‌ای است که حتی تهاتر بدهی‌ها با سهام شرکت‌های زیان‌ده یا کم‌پازده اما دارای دارایی‌های سرمایه‌ای، برای سازمان تأمین اجتماعی مقرون‌به‌صرفه‌تر از انباشت بدهی و اعمال نرخ اوراق مشارکت بوده است.

و مستمری‌بگیران خواهد بود؛ چه رسد به زمانی که دولت از به‌روزرسانی بدهی‌های معوق و سنواتی خود خودداری کند یا ارزش واقعی آنها را محاسبه و بازپرداخت نکند. به بیان دیگر، حتی محاسبه و بازپرداخت بدهی‌های دولت با نرخ اوراق مشارکت به‌صورت مرکب نیز موجب زیان و عدم‌النفع بیمه‌شدگان می‌شود؛ چه پرسد به اینکه پیش از سال ۱۳۸۳ این بدهی‌ها اساساً به‌روزرسانی نمی‌شد و در سال‌های اخیر نیز دولت درصدد بود با روش ساده آنها را محاسبه کند که این اقدام عملاً بدهی‌های پیشین را حدوداً به نصف کاهش می‌داد. رویکرد دولت در قبال مطالبات بیمه‌ای سازمان

در این میانه، تنها است. صرف‌نظر از مبنای محاسبه و نحوه به روز رسانی که باعث اختلاف بین ارقام اعلامی شده است، برخی تفاوت در ارقام اعلام شده نیز مربوط به مقطع زمانی مورد نظر است چرا که بدهی دولت دائماً در حال تولید و انباشت است و هر ساله و هر ماهه برحجم آن افزوده می‌شود. با توجه به وضعیت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی براساس مطالعات و محاسبات انجام‌شده، حتی اگر دولت این بدهی‌ها را با اعمال نرخ اوراق مشارکت و به‌صورت مرکب به‌روزرسانی کند، باز هم عدم‌النفع قابل توجهی نسبت به سایر صنایع و بازارها متوجه بیمه‌شدگان

متأسفانه در حوزه بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی یک نهاد تنظیم‌گر مستقل، حرفه‌ای و تخصصی وجود ندارد که در خصوص بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و نهادهای بیمه‌گر اجتماعی اظهار نظر کند، در حالی که در حوزه بانک‌ها، بانک مرکزی وجود دارد و مرجع مستقل اظهار نظر در این زمینه است. در ارتباط با مطالبات سازمان تأمین اجتماعی غالباً دستگاه‌های دولتی نظیر وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه و سازمان حسابرسی اظهار نظر می‌کنند که جزئی از دولت هستند و طبیعتاً طرف دولت را می‌گیرند و به دنبال کاهش بدهی‌های دولت هستند و سازمان

ادامه از صفحه ۲

تلاش برای ادغام سازمان در وزارتخانه‌ها
ناکام ماند

در تشریح روند تاریخی شکل‌گیری قانون ساختار نظام جامع رفاه و در اواخر دهه ۷۰، لایحه‌ای تحت عنوان فقرزدایی در دولت دوم سازندگی مطرح بود که براساس آن، سناریوی ادغام سازمان تأمین اجتماعی در وزارت بهداشت یا وزارت تعاون دنبال می‌شد. اما با تغییر دولت و پیگیری مدیرعامل وقت سازمان - که مشاور رئیس‌جمهور نیز بود - از تصویب آن جلوگیری شد و در نهایت، حکم برنامه سوم مبنی بر طراحی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مبنای عمل قرار گرفت. پس از آن، سازمان تأمین اجتماعی و مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی مأمور طراحی این نظام شدند و طرح و لایحه مربوطه به مجلس ارائه شد. در آغاز دولت دوم اصلاحات نیز مدیرعامل وقت سازمان به ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منصوب و به‌عنوان نماینده دولت در قبال این لایحه به مجلس معرفی شد. گزارش شور اول قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در مجلس با نقدهای جدی روبه‌رو بود؛ چرا که نه تنها مسئله ادغام تأمین اجتماعی در وزارت کار و امور اجتماعی را در خود داشت، بلکه با متن لایحه نیز مغایرت‌های زیادی پیدا کرده بود، به همین دلیل و با توافق میان دکتر ستاریفر، معاون رئیس‌جمهور وقت، و مرحوم شمس وهابی، رئیس کمیسیون تلفیق، بنده به عنوان نماینده دولت در جلسات کمیسیون حضور یافتیم تا هم از ادغام سازمان جلوگیری کنیم و هم متن گزارش شور اول را به محتوای طرح و لایحه نزدیکتر کنیم. در این فرآیند، برخی مفاهیم بیمه‌ای مهم به متن نهایی اضافه شد که از جمله آنها بند «ه» ماده ۷ قانون بود. متن پیشنهادی اولیه بنده تصریح می‌کرد که مطالبات سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای از دولت باید براساس ارزش واقعی روز و محاسبات بیمه‌ای پرداخت شود. هرچند به دلیل پیچیدگی‌های محاسبات بیمه‌ای، نمایندگان عبارت نرخ اوراق مشارکت را جایگزین کردند، اما اصل ضرورت به‌روزرسانی بدهی‌های دولت با بالاترین نرخ در دسترس آن زمان (۱۹ درصد) به تصویب رسید. این دستاورد باعث شد که موضوع به به‌روزرسانی بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای، استقلال مالی و منع مداخله دولت در اموال آنها در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی به‌طور شفاف درج شود. روند تاریخی محاسبه و بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان نشان می‌دهد که پس از تصویب و ابلاغ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، در فرآیند تهیه صورت‌های مالی سال ۱۳۸۳، محاسبه بدهی‌های دولت از اواخر دهه ۵۰ تا دهه ۸۰ براساس روش مرکب و با اعمال نرخ اوراق مشارکت انجام شد و این محاسبات به تأیید سازمان حسابرسی، هیأت نظارت و شورای عالی تأمین اجتماعی رسید و تا سال ۱۳۹۶ به‌طور مستمر اجرا شد. در دولت یازدهم، برخی افراد

منتسب به وزارت بهداشت در سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد و حتی داخل سازمان تأمین اجتماعی، بحث اصل و فرع بدهی‌های دولت را مطرح کردند و متأسفانه مدیرعامل وقت سازمان طی مکاتبات رسمی، رقم بدهی‌ها را کمتر از میزان واقعی اعلام کرد؛ اقدامی که زمینه‌ساز طرح تعدی واژه «ریج مرکب» شد و در محاسبات واقعی بدهی‌ها تردید ایجاد کرد.

حق بیمه از جنس مطالبات بانکی نیست
و باید مثل مهریه به نرخ روز محاسبه شود:

این در حالی است که حق بیمه، از جنس مطالبات بانکی نیست و همانند مهریه یا دیه باید به‌روز محاسبه و پرداخت شود. با توجه به معضل مزمن کسری بودجه در ایران، دولت‌ها معمولاً بدهی‌های سنواتی و جاری خود به سازمان را در بودجه لحاظ نمی‌کنند و سازمان ناچار می‌شود از مسیر تهاتر املاک و سهام، بخشی از مطالبات خود را وصول کند. با وجود نقدهای وارد به این تهاترها، در شرایط تورمی و کاهش ارزش پول ملی، این روش از عدم وصول مطالبات به‌مراتب بهتر بوده است.

بازپرداخت بدهی‌های دولت در قالب واگذاری سهام دولتی از دولت هشتم و زمان مدیریت دکتر ستاریفر آغاز شد و با همکاری مجلس هفتم و دکتر مصری، اسامی شرکت‌های قابل واگذاری در قانون درج شد و تهاترهای قابل توجهی انجام شد. اما در دولت نهم و دهم ابتدا رئیس دولت وقت اصل بدهی‌ها را منکر شد. با این حال، در دوران مدیریت دکتر ذبیحی و دکتر مرتضوی، مصوبات مهمی برای بازپرداخت بدهی‌ها صادر شد که متأسفانه به دلیل اختلافات میان مدیران عامل سازمان، شستا و وزارتخانه، اجرای آنها به‌طور کامل محقق نشد. متأسفانه در دولت دهم برخی از شرکت‌های واگذارشده مجدداً فروخته شد و در دولت یازدهم نیز واگذاری برخی از شرکت‌ها لغو شد. (از جمله معادن گل‌گهر) یا برای باقی آنها دولت مطالبه رقم‌های بالاتری را مطرح کرد؛ روندی که نشان می‌دهد سازمان تأمین اجتماعی هیچگاه نتوانسته است در برابر بدهکار بزرگ خود یعنی دولت، از موضع قدرت وارد شود.

تغییر روش محاسبه بدهی‌های دولت

تحولات مربوط به بازپرداخت بدهی‌های دولت به این سازمان در دهه اخیر نشان می‌دهد که پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، مجلس نهم با اصلاح قانون اجرای اصل ۴۴، تهاتر بدهی‌های دولت با واگذاری سهام را ممنوع کرد و عملاً مسیر قبلی وصول مطالبات مسدود شد. هرچند در ادامه با پیگیری‌های انجام‌شده، حکم این موضوع در قالب ماده ۱۲ قانون برنامه ششم توسعه و سپس در تبصره‌های بودجه سال ۱۳۹۷ گنجانده شد و در سال‌های بعد نیز تنفیذ شد، اما اجرای عملی آن تا میانه سال ۱۳۹۹ به طول انجامید. نقش‌آفرینان این روند نمایندگانی همچون دکتر مصری، دکتر پزشکیان، علیرضا محجوب، نادر قاضی‌پور و سهیلا جلودارزاده کمک زیادی کردند و همچنین دکتر مارامایی، مشاور اینجانب و نماینده ادوار مجلس، در برقراری و پیگیری ارتباطات مجلس

نقش مهمی ایفا کرد. یکی از اتفاقات تلخ این دوره دو سال پیش، در جریان تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون برنامه ششم توسعه، بود که در آن روش به‌روزرسانی بدهی‌های دولت به سازمان از محاسبه مرکب به محاسبه ساده تغییر کرد. این تغییر آشکارا با حکم مجلس مغایرت داشت و موجب شد ارزش واقعی مطالبات سازمان تقریباً به نصف کاهش یابد. متأسفانه به دلیل انفعال و تمرکز برخی مدیران وقت سازمان بر ایقاعی خود، این تغییر بدون اعتراض رسمی باقی ماند، درحالی‌که در صورت اقدام به‌موقع می‌شد از تضییع حق بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران جلوگیری کرد.

در همان زمان با انتشار مقاله‌ای کارشناسی تحت عنوان «چه زود آب می‌شود» اعتراض خود را اعلام کردم، چرا که انتشار مطالب انتقادی من در نشریات داخلی سازمان ممنوع بود و ناچار شدم آن را در وبلاگ شخصی و برخی رسانه‌های غیروابسته منتشر کنم.

جلوگیری از نصف شدن بدهی‌های دولت
به سازمان با رأی دیوان عدالت اداری:

با توجه به پیگیری‌های صورت‌گرفته در برابر تغییر روش محاسبه بدهی‌های دولت به سازمان، پس از آنکه در آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون برنامه ششم توسعه، روش محاسبه بدهی‌ها از مرکب به ساده تغییر یافت، طی مکاتباتی همراه با یک دفاعیه ۱۰ صفحه‌ای دلایل و مستندات کارشناسی مبنی بر مغایرت این رویکرد با قانون مصوب مجلس را ارائه کردم. در ادامه، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات نیز به این اقدام دولت اعتراض کردند و حتی تعدادی از کارگران با شکایت در دیوان عدالت اداری پیگیر موضوع شدند و نهایتاً در زمان تدوین قانون بودجه سال ۱۳۹۹ و با کمک نمایندگانی همچون دکتر مصری، علیرضا محجوب و نادر قاضی‌پور و همچنین با پشتیبانی تشکل‌های کارگری شاغل و بازنشسته، در بند «ز» تبصره ۵ قانون بودجه، رویه نادرست دولت اصلاح و در عمل بند «ه» ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی احیا شد. با این حال بیم آن می‌رفت که این اصلاح در بودجه‌های سنواتی بعدی نادیده گرفته شود. سرانجام با پیگیری تشکل‌های کارگری، به‌ویژه آقایان بیات، دهقان‌کیا و سیدعلیرضا حیدری و همراهی کانون عالی مستمری‌بگیران و کانون بازنشستگان تهران، در فرآیند انجام این اقدامات، و با حضور پررنگ فعالان تشکل‌های کارگری و بازنشستگی که همواره در صف مقدم مطالبه‌گری از دولت و مجلس برای صیانت از کیان سازمان تأمین اجتماعی بوده و هستند، از جمله افرادی که در تمامی میادین اعم از رسانه‌ها، خیابانها و پیاده‌روها و همایش‌ها و جلسات، فعال و پیگیر بوده و هست آقای حسن صادقی است که در فرآیند اقدامات انجام‌شده برای تثبیت حقوق حقه سازمان و وصول مطالبات سازمان از دولت نقش به‌سزایی داشته دارد. باید یاد آوری شود که آقای حسن صادقی هم خودش پای کار است و هم این توانایی را دارد که دیگران را پای کار بیاورد و در این قضایا همیشه وسط میدان بوده. لذا با توجه به کلیه این

حرکت‌ها و حمایت‌ها و با مساعدت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، حکم تقلیل بدهی‌های دولت لغو و مصوبه‌ای مستحکم صادر شد که مانع از نصف شدن بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی شد. آثار مثبت این رأی که بالغ بر ده‌ها هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود، سال به سال افزایش خواهد یافت و می‌تواند بخشی از خسارات ناشی از تحویل بار حمایتی سال‌های گذشته بر سازمان را جبران کند. هرچند مطلوب آن است که دولت اساساً از تولید و انباشت بدهی‌های جدید پیشگیری کند.

این مصوبه دیوان عدالت اداری گامی بسیار مهم در صیانت از حقوق بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران است، اما نیازمند مراقبت و پیگیری مستمر است تا از تضعیف یا بی‌اثر شدن آن در آینده جلوگیری شود. در خصوص راه حل رفع مشکل سازمان تأمین اجتماعی، با عنایت به تصریح دو حکم مندرج در بندهای ۳ و ۴ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی مبنی بر «ضرورت حفظ و ارتقای ارزش ذخایر و اندوخته‌های بیمه‌ای و ضرورت جلوگیری از تولید و انباشت بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی» بایستی دولت مطالبات سازمان تأمین اجتماعی را مشابه به‌روز رسانی ارزش دیه و مهریه یا مشابه به روز رسانی خسارت تأخیر تأدیه طبق قانون آئین دادرسی، به ارزش واقعی روز برساند و سپس آن را طی یک برنامه زمان‌بندی شده به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند، همچنین حق بیمه‌های جاری در تعهد دولت را نیز در قوانین بودجه سنواتی هر ساله لحاظ و نقداً بپردازد. همان رفتاری را که دولت در قبال سازمان بیمه سلامت سال‌هاست انجام می‌دهد و دولت برای آن سازمان پول دارد ولی به سازمان تأمین اجتماعی که می‌رسد پول ندارد. برای اثبات این مدعا کافی است مصوبه‌ای را که هفته گذشته دولت برای تأمین منابع سازمان بیمه سلامت صادر کرد را با رفتار همین دولت در قبال بدهی‌هایش به سازمان تأمین اجتماعی مقایسه کرد.

حقوق ذینفعان و لزوم شفافیت

بر اساس این گزارش، بیش از ۴۶ میلیون ذینفع سازمان تأمین اجتماعی، سهامداران واقعی این صندوق هستند. بدهی دولت به این صندوق، نه یک مسأله صرفاً مالی، بلکه یک چالش بنیادین در حوزه حقوق اجتماعی و اعتماد عمومی است. ذینفعان واقعی این صندوق حق دارند که از وضعیت مالی آن آگاه باشند. ارقام متناقض بدهی دولت که در رسانه‌ها منتشر می‌شود، به جای روشن کردن افق پیش رو، تنها بر ابهامات می‌افزاید. صاحبان اصلی این صندوق بیمه‌ای حق دارند که بدانند دولت به عنوان یک نهاد حاکمیتی، چه میزان به این سرمایه مردمی بدهکار است و چه برنامه‌ای برای بازپرداخت آن دارد. با توجه به اینکه عدم شفافیت در این زمینه، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی، نگرانی و حتی تضعیف بنیان‌های اجتماعی شود، از این رو، مطالبه جامعه و به‌ویژه شرکای اجتماعی تأمین اجتماعی، روشن و واضح است: «اعلام یک رقم واحد، دقیق و شفاف از بدهی دولت به همراه جزئیات و برنامه بازپرداخت آن.»

علی‌خدایی نماینده کارگران در شورای عالی کار

شورای عالی کار باید فوراً برای ترمیم دستمزد یک جلسه اضطراری تشکیل دهد

دفاع کند:

اینکه بگویم مشکل را به رابطه کارگر و کارفرما واگذار کنیم، مانند این است که تورم را به‌عنوان یک سنگ وحشی در جامعه رها کرده باشیم و از کارگر بخواهیم با دست‌خالی جلوی آن بایستد. وظیفه دولت و شورای عالی کار این است که برای این وضعیت اضطراری، یک تصمیم فوری و سراسری اتخاذ کنند. ما به دنبال افزایش تورم نیستیم، ما به دنبال زنده‌ماندن هستیم. وقتی قیمت ضروری‌ترین کالاهای اساسی حتی با نرخ‌های دولتی افزایش پیدا می‌کند، ثابت نگه‌داشتن دستمزد کارگر هیچ توجیه منطقی و

وظیفه دولت و شورای عالی کار است که فوراً برای ترمیم دستمزد یک جلسه اضطراری تشکیل دهد و یک تصمیم فوری و سراسری اتخاذ کند:

ما به دنبال زنده ماندن خودمان هستیم؛ صحبت از اینکه کارگر با قرارداد سه‌ماهه یا شش‌ماهه برود و با کارفرما برای افزایش حقوق چانه‌زنی کند، با واقعیت‌های امروز جامعه ما همخوانی ندارد. در شرایطی که امنیت شغلی وجود ندارد و قدرت چانه‌زنی کارگران تقریباً صفر است، این حق قانونی روی کاغذ باقی می‌ماند و مطالبه آن به قیمت از دست دادن شغل تمام می‌شود.



انسانی ندارد. درخواست ما روشن است؛ تشکیل فوری جلسه شورای عالی کار و ترمیم حداقل دستمزد برای جبران بخشی از کاهش قدرت خرید جامعه کارگری.

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

در یک گپ و گفت صمیمی با سید مجتبی قریشیان سردیر نشریه مطرح کرد:

نگاه توام با احساسات و عواطف مذهبی واجتناب از خرد گرایی در خصوص اتباع بیگانه،
تصمیم گیری مارا دچار یله گی، وادادگی و گرفتار شدن در تله روزمره گی کرده

خدایا کدام کار ما از نظر عقلی و منطقی وقانونی مثل کاربقیه
کشورهای دنیاست !!!
ایدئولوژی محوری که در آن از عقلانیت استفاده نشده مارا
به این روز انداخته است.

بکند و مقوله نامه
۱۳۳۱ سازمان بین المللی
کار مصوب ۱۹۷۵ که
درخصوص کارگران
مهاجرات و حواوی
مقررات تکمیلی و مهمی
مبتنی بر چگونگی
برخورد و مواجه شدن

با نیروی کار اتباع بیگانه است را مورد
استفاده قرار دهد تا در خصوص نیروی
کار اتباع بیگانه با مشکل و بحران مواجه
نشود و ما ناچار به مبارزه با کارگر خارجی
و دچار بحران مهاجر پذیری نشویم
مهاجر قانونی باید با اذمات حقوق
انسانی برخورداری باشد وزیر چتر حمایت
های مقوله نامه ۱۳۳۱ سازمان بین المللی
کار قرار بگیرد و حقوق بنیادین او مثل
حق دستمزد و حق برخورداری از بیمه
... تضمین گردد. کشورها باید تبعیض علیه
مهاجرین را حذف کنند آنها را اگر واقعا
انجام داده بودیم با یک چنین بحرانی
مواجه نمی شدیم .

عملکرد دولتهای سیزدهم و چهاردهم
در خصوص اتباع بیگانه مصداق بارز
افراط و تفریط :

رئیس جمهور دولت سیزدهم تحت
تاثیر احساسات و تفکراتی که پدر خانش
داشت اجازه ورود بی حساب و غیر قانونی
و غیر منطقی اتباع خارجی (افغانه) را داد
و گفتند که اینها برادران دینی ما هستند همه
را بپذیرا باشید و رئیس جمهور فعلی در اثر
فشار افکار عمومی بویژه بعد از جنگ ۱۲
روزه اسرائیل خواستار اخراج بی حساب
کتاب اینها شد. وضعیت ایران که به این
مقوله نامه ها نیویسته و آنها را اجرا نکرده
است، کاملاً متفاوت از آن کشورهایی
است که به این مقوله نامه ها پیوسته اند
و آن را اجرا کرده اند.

نگاه احساسی، توام با عواطف مذهبی
و عملکرد بدور از خرد گرایی مسبب
بحران ایجاد شده در خصوص اتباع
خارجی است:

در کشور ما در خصوص اتباع خارجی
بویژه افغانها، درحوزه تامین اجتماعی که
موضوع چند بعدی و پیچیده است، درحوزه
قوانین و روابط کار، قوانین موجود
در توافق نامه های بین المللی بر آن حاکم

درخصوص ورود و حضور و اخراج
اتباع بیگانه احساسی عمل کردیم
و فاقد یک عملکرد عقلایی و مبتنی
بر اصول علمی بودیم :

به نظر میرسد که ما اول باید پیامد های
حضور اتباع غیر مجاز در کشور را از جنبه
های مثبت و منفی آن بدقت واکاوی و
مورد بررسی قرار دهیم این پیامدها شامل
ابعاد مختلف، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی
سیاسی و امنیتی میباشد. متأسفانه
رویکرد اتخاذ شده درخصوص اتباع بیگانه
یک رویکردی، علمی و مبتنی بر دانش
نیست بلکه یک رویکرد احساسی است.
درخصوص هر سه مرحله ورود و حضور
و اخراج اتباع بیگانه کاملاً احساسی عمل
کردیم و یک عملکرد عقلایی نداشتیم. به
گونه ای که ورودشان احساسی بود و
حضورشان هم بدون رعایت موعلفه های
علمی مبتنی بر مقوله نامه های سازمان
بین المللی کار (ILO) در مقابل اتباع
بیگانه و اخراج آنها هم بدون اینکه فایده
و منفعت این کار در نظر گرفته شود انجام
شد، و این نشان دهنده این است که ما دچار
یک نگاه احساسی هستیم که اصلاً عقلایی
نیست و منافع ملی در آن لحاظ نشده
بیشتر بر احساسات مذهبی متکی است
و وبدور از خرد گرایی است، احساسات
مذهبی که بخشی از آن هم نشات گرفته
از نوع همزبانی است .

مقوله نامه شماره ۹۷ سازمان
بین المللی کار (ILO) مصوب سال
۱۹۴۹ می توانست ملاک عمل بسیار
خوبی برای ما در خصوص رفتار با
اتباع بیگانه باشد:

سازمان بین المللی کار (ILO) چندین
مقوله نامه و کنوانسیون درباره کارگران
مهاجر و اتباع بیگانه دارد که کشورهای
عضو از جمله ایران میتوانند آنرا تصویب
کنند و یاد سیاست گذاری خودشان از
آنها استفاده کنند مهمترین مقوله نامه
سازمان بین المللی کار (ILO) که مرتبط
با اتباع نیروی کار خارجی است و نکات
کلیدی هم در آن نهفته است مقوله نامه
شماره ۹۷ مصوب سال ۱۹۴۹ است که
عنوان و محتوای این مقوله نامه هم
در باره اشتغال مهاجرین اتباع بیگانه
در کشورهای مختلف می باشد. این مقوله
نامه ما و سایر کشورها را ملزم میسازد که
در مقابل کارگران اتباع بیگانه و نیروی کار
کشور میزبان درخصوص دستمزد و شرایط
کار و امنیت اجتماعی و بیمه و عضویت
در اتحادیه های کارگری و انتقال پول به
کشوری که اتباع خارجی تبعه آن کشور
هستند باید رفتار برابر داشته باشیم .

رفتار مادر برخورد با اتباع بیگانه
بر اساس عقل و علم و منطق نبود:

این پرسش مطرح است که درخصوص
رفتار با اتباع بیگانه کشور ما چگونه
عمل کرد. ایران مقوله نامه ۹۷ سازمان
بین المللی کار (ILO) را تصویب
نکرده است اما میتواند از مفاد آن در
تنظیم سیاست های ملی خودش استفاده

و خدمات شهری ما دچار مشکل میشود
چرا باید تصمیماتی را بگیریم که مرتب
برای ما هزینه ایجاد میکند و این هزینه ها
باعث میشود که هزینه های اضافی دیگری
بر ما تحمیل شود که میتوانیم با تفکر و تأمل
از ایجاد این هزینه ها جلوگیری کنیم .

الزامات مهمی که در خصوص اتباع
بیگانه بویژه افغانه انجام نشد و تاون
و هزینه های سنگین و غیر قابل
جبرانی را برای کشور در برداشت :

آیا اتباع خارجی افغانی مشمول نظام
تامین اجتماعی ما میشوند؟! باید این اتباع
به شرط داشتن اقامت قانونی مشمول
نظام تامین اجتماعی شوند. الزام اولی که
رعایت نشد این بود که وزارت کشور باید
به اینها مجوز اقامت میداد و نیروی انتظامی
مسئول نظارت بر عملکرد این اتباع بود،
که این امر مهم و ابتدایی اصلاً انجام
نگرفت، الزام بعدی که نادیده انگاشته
شد این بود که باید وزارت تعاون
کار و رفاه اجتماعی مجوز کاربری اینها را
صادر میکرد و عملکرد کاری اینها را رصد
میکرد. بازرسان وزارت کار در این مدت
کجا بودند؟ چرا به اینها مجوز کار ندادند
چرا رصد نکردند که اینها کجا هستند
و چکار میکنند؟! الزام مهم دیگری که
رعایت نشد اینکه چرا مسئولین وزارت
تعاون کار و رفاه اجتماعی بستری را
فراهم نکردند و نظارت نکردند تا این
اتباع در کارگاههایی مشغول بکار باشند
که این کارگاه مشمول قانون کار باشد.
الزام دیگری که نادیده شد پرداخت حق
بیمه اتباع خارجی است و اینکه کار فرما
موظف باشد کارگر خارجی را مثل
کارگران کشور خودمان بیمه کند و حق بیمه
اتباع خارجی به سازمان تامین اجتماعی
را پرداخت کند، تا امروز سازمان تامین
اجتماعی دچار کسری منابع نباشد، اما در
عمل مشاهده میکنیم که بسیاری از اتباع
افغانی بیمه نیستند و مجوز کار ندارند و در
مشاغل غیر رسمی و فصلی بکار مشغول
هستند و کار فرما از ثبت اسامی آنها در
لیست بیمه امتناع میکند و از بیمه کردن آنها
فرار میکند چون این عمل برای کار فرمایان
سود به همراه دارد .

ببینید یک ملت دارد هزینه میکند
۴۰٪ جماعت کار فرما دارند سود آن
را می برند:

حال این سوال منطقی مطرح است که
چرا باید ۹۶٪ جامعه هزینه کارگر افغانی
را پرداخت کند و سود آنرا فقط کار فرمایان
که ۴٪ جامعه هستند ببرند؟ و چرا باید
۹۶٪ جامعه هزینه کارگر افغانی را پرداخت
کند و منفعت آن به جیب ۴٪ تا ۷ درصد
جمعیت که کار فرما هستند برود، اما نظام
سیاسی کشور نباید و این را نظام نگیرد
تا سود حاصل از اشتغال اتباع بیگانه به
همه جامعه برسد یعنی کارگر اتباع بیگانه
با حساب کتاب وارد شود و کد هویتی
و شناسنامه کار بگیرد و رفت و آمدش
رصد شود تا در اثر این رصد کردن امنیت
و منافع ملی تامین شود.

می گرفت و اگر در موقع
حضور و کاربری اینها
شناسنامه کار صادر
میشد جلوی خلی از
اتفاقات ناگوار و تلخ
گرفته میشد، چرا باید
مرزهای کشور باز شود
و بطور ناگهانی و یکدفعه

۷ میلیون اتباع افغانی وارد کشور شوند
آن هم کشوری که خودش با بحران
های مختلف و انواع ناترازی ها مواجه
می باشد، کشوری که دنیا اورا تهدید
میکند و کشوری که درگیر یک جنگ
تمام عیار اقتصادی است و در تحریم
های کشنده و فلج کننده ای بسر می برد
و مواد غذایی آن هر روز دچار تغییرات روز
افزون میشود و توروم سیر صعودی را طی
میکند، شما به کدام دلیل عقلی و منطقی
۷ میلیون انسان را پذیرا شدی! حالا پذیرا
شدی چرا اینها را نظام نکرده؟! چرا
مقوله نامه های ۹۷ و ۱۳۳۱ سازمان بین
المللی کار در مورد آنها اعمال نکردی
؟ درست است که به این مقوله نامه ها نه
پیوستی ولی الزام به اجرای آن که داری
چون بعضی از مقوله نامه ها خود به خود
الزام آور است و رعایت آنها جزء الزامات
است و این باعث میشود که ما نتوانیم
در هنگام ورود و حضور و خروج اینها
تصمیمات درستی را اتخاذ کنیم و ما دچار
یک پارادوکس شده ایم در مورد اخراج
اینها هم نیامدیم بررسی های لازم را انجام
دهیم و اینکار را بر اساس اصول علمی
و منطقی و قواعد پذیرفته شده بین المللی
انجام دهیم بعنوان مثال بررسی نکردیم که
این نیروی کار خارجی که در اینجا مشغول
بکار است پیش کدام کار فرما چکاری دارد
انجام میدهد و اگر کار فرما از اوضاعیت دارد
به او کارت هویت و شناسنامه کار بدهیم
و اجازه بدهیم که بصورت نظامند کار کند
، تا آن کار فرما سیستم تولیدش دچار خلل
نشود، نه تنها این کارها را نکردیم بلکه
آمدیم و بی حساب و کتاب اینها را اخراج
کردیم و تر و خشک را با هم سوزاندیم
بسیاری از مشاغل ما در آینده نزدیک
دچار مشکل میشوند من به شما قول
میدهم که ما مقنی در زیر زمین نداشته
باشیم، حوزه صنعت ساختمان و کشاورزی
ما دچار مشکل میشود، کارگاههای کوچک

نیست و تصمیمات اجرائیشان بر ادامه
وضعیت موجود است، پیشنهادی هم ما
برای بهبود وضعیت موجود مشاهده نمی
کنم و در این مورد کاملاً دچار روزمرگی
شده ایم، لذا بجای اینکه مفاد مقوله نامه
های ۹۷ و ۱۳۳۱ سازمان بین المللی کار، را
درخصوص اتباع بیگانه را، اعمال و اجرا
کنیم، یک نگاه مذهبی، نگاه همزبانی، نگاه
احساسی بر عملکرد دولتمردان و تصمیم
گیرندگان ماحکم شده است در این نوع
نگاه اختصاصی معلوم است که منفعت
و مصلحت کشور مد نظر قرار داده نمی
شود و منافع ملی را نمی بینی و باعث میشود
که دچار مشکلات متعددی بشوی، ذوقی
و سلیقه ای تصمیم بر ورود اینها میگیری
و سلیقه ای هم تصمیم بر خروج اینها
میگیری و زمانیکه در داخل کشور هستند
به فکر این نیستی که بر اساس مقوله نامه
های سازمان بین المللی کار اینها را نظامند
و هدفمند و سامان دهی کنی و عملکرد اینها
را بطور مرتب رصد کنی، برایشان اتحادیه
درست کنی، آنها را زیر چتر بیمه ببری
و کار فرما را موظف کنی که آنها را بیمه
کند، حقوقشان را به رسمیت بشناسی یعنی
شناسنامه کار برای آنها درست کنی و به
آنها هویت بدهی و مرتب رصد کنی که
پیش کدام کار فرما با کد اقتصادی معلوم
مشغول بکار می باشند و اگر از نزد کار فرما
خارج شد به کجا رفته و دارد چکار میکند .
نظام حاکم بر کشور ما درخصوص
برخورد با اتباع بیگانه دچار یله گی
و، وادادگی شده و در تله تصمیم گیری های
روزمره گرفتار شده!!!

الان این سلسله رصد کردن ها که متاثر از
مقوله نامه های سازمان بین المللی کار
است بر نظام و روابط کار ما مستولی نیست
و این سبب میشود که طرفین نسبت به
یکدیگر یک نگاه بد بینانه داشته باشند. اگر
ورود اتباع بیگانه حساب شده و بر اساس
اصول علمی و پذیرفته شده جهانی انجام

اما نکته حیرت آور:

جای تعجب دارد که مسئولین مربوطه به اتباع افغانی نگفتند که بروید و بیمه اختیاری و مشاغل آزاد بشوید. و قتیکه کارفرما به وظیفه اش عمل نکرد تدبیری اندیشیده میشد که آنها می توانستند خودشان را بیمه کنند به تامین منافع ملی کمک بزرگی میشد چرا نتوانستیم این بستر را فراهم کنیم چون کد هویتی و شناسایی برای آنها در نظر نگرفتیم و آنها را ساماندهی نکردیم و از ثبت نام آنها امتناع کردیم، اینکارها برای ما چالش ایجاد کرده است .

چالش هایی که در اثر عدم برخورد منطقی و قانونی و قلابی در خصوص اتباع بیگانه برای کشور ایجاد شده است :

اولین و بزرگترین چالش ایجاد شده عدم یک تعامل سیستماتیک بین اداراتی است که به حوزه اداره اتباع بیگانه مربوط میشوند، یکی اداره اتباع بیگانه که زیر نظر وزارت کشور است ، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی نتوانستند بصورت یک مثلث، هدفمند و منظم و قانونی و عقلایی عمل کنند . چالش بعدی نداشتن کد و مدرک شناسایی معتبر برای اتباع بیگانه می باشد، بانی وضعیت موجود و این امر چه کسی میباشد، وزارت کشور یک رویکرد علمی و قانونی برای برخورد با اتباع بیگانه وحل مشکل بوجود آمده در این خصوص رانداشت و بصورت فی البداعه تصمیم میگرفت چالش بعدی عدم دسترسی به خدمات بیمه ای برای بسیاری از مهاجرین غیرقانونی میباشد. چالش دوم نبودن سازوکار روشن برای بیمه اختیاری اتباع بیگانه می باشد واقعا چه کسی مسبب این امر است؟ سیستم نظارتی کشور، دولت درحوزه وزارت کشور و در حوزه وزارت نیروی انتظامی ، درحوزه وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی . چالش بعدی که در این راستا ایجاد شده است عدم اجرای دقیق قانون از سوی کارفرمایان میباشد . درواقع کارفرمایان ما از این امر نهایت استفاده را به نفع خود کرده اند و کارگر اتباع خارجی خودش را بیمه نکرده است و حقوق کمتری را به او پرداخته است چرا این اتفاق افتاده است چون کارفرما یا از مقاله نامه های سازمان بین المللی کار بی اطلاع بود و یا درصورت مطلع بودن نخواسته آنها را اجرا کند چون به زیان خودش می دیده و منافع خودش را درخطر می دیده است.

دولت سیزدهم سرمدمدار ورود غیر قانونی اتباع افغانی به کشور!!

رئیس جمهور دولت سیزدهم و پدرخانم ایشان از ورود اتباع افغانی به کشور خوششان آمده و مسیر را برای ورود میلیون ها تبعه افغانی باز و هموار کردند و اجازه دادند که اینها بی حساب و کتاب وارد شوند و از این طرفی هم در این دولت موقع خروج، همه این بدبختی ها را به گردن اتباع افغانی انداختند و ادعا کردند که اینها عامل بی ثباتی و جاسوس هستند. و بدون اینکه بررسی کنند که این امر چه عواقبی دارد اقدام به اخراج اینها کردند و این را در نظر نگرفتند که در بازار کار و قتیکه ۳/۵ میلیون تا ۴ میلیون نفر کارگر خارج شوند شما چطور می توانی این را جایگزین کنی؟ آیا کارگری که در اسنپ مشغول بکار است و ماهانه ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان درآمد دارد حاضر است که با ماهی ۱۶ تا ۲۰ میلیون درآمد بجای کارگر افغانی کار کند قطعا اینکار را نمیکند این یعنی بهم ریختن تعادل در بازار کار .

پیشنهاد به سازمان تامین اجتماعی و توصیه به دولتمردان :

پیشنهاد مشخص من برای سازمان تامین اجتماعی این است که رویکردی مبتنی بر تامین عدالت اجتماعی داشته باشد و همه ساکنین کشور را اعم از ایرانی و یا غیر ایرانی باید حداقل به خدمات بیمه ای پایه مثل طرح بیمه نظام سلامت دسترسی داشته باشند دوم اینکه بین مهاجرین قانونی و غیرقانونی تفکیک صورت پذیرد و تر و خشک را باهم نسوزانیم. یکدفعه تصمیم گرفته میشود که همه بروند در نظر نمی گیرند که طرف سالها در اینجا کار کرده و بچه دار شده و حتی بازنشسته تامین اجتماعی بوده او را اخراج کرده اند این چه معنی دارد این جور تصمیم گیری ها نشان می دهد که قدرت تشخیص نداریم و قوه قهریه مان بر عقل و استدلال عقلی و علمی و قانونی ما غلبه کرده

است و در این موارد احساسی عمل کردیم و نتوانستیم تمیز دهیم و تفکیک کنیم. طرفی که ۴۰ سال است در این کشور کار میکند و هویتش ایرانی شده اینرا بررسی کنید و ببیند که چه خلاقی انجام داده است. توصیه من به دولت این است که بفکر ۱۲ الی ۳ ماه دیگر هم باشد. آن موقع است که باید با چراغ قوه دنبال نیروی انسانی بگردی از هم اکنون راستی آزمایی کنند و کسانی را که تاریخچه حضورشان به ۲ الی ۳ دهه قبل بر میگردد برای اینها شناسنامه کار صادر کند و آنها را از افرادی که تازه وارد شده اند و کارفرمای مشخصی ندارند تفکیک کند و آنها که به لحاظ کار نزد کارفرمای مشخص مدت طولانی کار کرده اند و هویت پیدا کرده اند را برایشان شناسنامه کار صادر کنند و کارفرماها را مکلف نمایند تا اینها را بیمه کنند و الزامات موجود در مقاله نامه های شماره ۹۷ و ۱۴۳ سازمان بین المللی کار را در مورد آنها اجرا نمایند فکر میکنم که ما در این صورت نباید نگران حضور در اتباع بیگانه و یا ازدست رفتن نیروی کار بیگانه و تشنه شدن بازار کار مان باشیم.

نه به آن شوری شور نه به این بی نمکی :

عملکرد دولتهای سیزدهم و چهاردهم در خصوص اتباع بیگانه مصداق بارز افراط و تفریط

مقاله نامه شماره ۹۷ سازمان بین المللی کار (ILO) مصوب سال ۱۹۴۹ می توانست ملاک عمل بسیار خوبی برای ما در خصوص رفتار با اتباع بیگانه باشد

برای کشور می شود . برخورد با عدالت باعث تضمین امنیت اجتماعی میشود . ان شاء الله دولت ۴۱ مثل دولت ۱۳ احساسی عمل نکند ولی متأسفانه تا اینجا ی کار مناسب و عقلایی عمل نمیشود. من موافق حضور اتباع بیگانه نیستم ولی مخالف با نوع برخورد با نیروی کاری که امتحانش را پس داده است هستم و قتیکه ارتش شکست خورده افغانستان با تجهیزات نظامی وارد ایران میشود و ما پذیرای آنها هستیم طبیعی است که این اتفاقات می افتد ، عقلانیت باید بجای احساسات حاکم شود . اگر ما از نگاه حفظ منافع ملی با این قضیه برخورد میکردیم امروز دچار این تله نمی شدیم ، تله ای که ما امروز گرفتار آن شده ایم نشأت گرفته از نبود یک نگاه ملی است و حکایت از این دارد که نگاه حاکمیت یک نگاه احساسی و مذهبی وایدئولوژیکی است.

ما در خصوص کنترل اتباع بیگانه فیلتر گذاری و پالایش نکردیم:

این اتفاقات نشان می دهد که در مرحله ورود و حضور اتباع بیگانه عملکرد مناسبی نداشتیم الان هم که آنها را اخراج میکنیم بدون بررسی و پالایش و بی حساب و کتاب اینکار را انجام میدهم وزارت کشور، نیروی انتظامی ، وزارت کار باید مثالی عمل میکردند.

در خصوص اتباع بیگانه متأسفانه نگاه تشکلات کارگری همسو با نگاه حاکمیت بود:

ما تشکلات کارگری در حوزه اتباع بیگانه از نگاه حاکمیت تبعیت کردیم و نیامدیم که از موضع خودمان دفاع کنیم . مانند کشورهای اروپایی به مقابله با حضور اتباع بیگانه ی غیر مجاز برخیزیم، تصور ما این بود که دولت نگاه نظارتی دارد. اگر ما به استناد مقاله نامه های سازمان بین المللی کار سرمدمداران را ملزم میکردیم که رفتار برابری بین کارگران ایرانی و اتباع بیگانه داشته باشند شاید الان این خلاء ایجاد نمی شد و این باعث میشد که مسئولین مربوطه بروند به سمت هویت بخشیدن و شناسنامه دار کردن اتباع بیگانه به ویژه افغانیها و اقدامات لازم را برای هویت دار کردن آنها و بیمه اجبار کردن آنه انجام می دادند ما تشکلات کارگری در این حوزه از نگاه حاکمان که یک نگاه عاطفی و احساسی وایدئولوژی است تبعیت کردیم و از همان سوء لفه ها و فاکتورها تبعیت کردیم و این باعث شد که کارکردی را که تشکلات کارگری کشورهای اروپایی در خصوص اتباع بیگانه از خود نشان می دهند، از خودمان نشان ندهیم ، آنها با حضور اتباع بیگانه غیر مجاز مخالف هستند و نه با اتباعی که بصورت قانونی وارد شده اند. اتفاقا آنها با اتحادیه

کارگران خارجی روابط بسیار خوب و حسنه ای دارند و با همدیگر دادوستد و تبادل افکار دارند و در رابطه با افزایش دستمزد و حقوق می نشینند و با آنها بحث و گفتگو و مجادله می کنند و برای اینکه یک حرف و نظر واحدی داشته باشند باهم گفتگو ، تفاهم و توافق میکنند ، اما، ما چنین چیزی نداریم اگر این مؤلفه هار را رعایت میکردیم هیچ کارفرمایی به خودش اجازه نمی داد، که اتباع بیگانه را بر نیروی کار داخلی ترجیح دهد. به این دلیل که همان هزینه ای که باید بابت کارگر خارجی بپردازد باید بابت کارگر ایرانی پرداخت کند. بدین ترتیب انگیزه کارفرما در خصوص استفاده از کارگر خارجی از بین میرود .

ما تشکلات کارگری با توجه به تبعیت از نظام سیاسی کشور مقاله نامه های سازمان بین المللی کار را در خصوص استفاده از اتباع بیگانه نادیده انگاشتیم :

تشکلات کارگری با توجه به مؤلفه های عاطفی و احساسی و عدم خرد گرایی اجرای مقاله نامه های سازمان بین المللی کار را نادیده گرفتند. اگرما تشکلات کارگری برخورد معقول و منطقی و قانونی در خصوص اتباع بیگانه داشتیم باید برای رعایت مقاله نامه های ۹۷ و ۱۴۳ سازمان بین المللی کار به دولتها فشار می آوردیم تا به اجرای این مقاله نامه ها تن دهند و برای اتباع خارجی شناسنامه کار درست میکرد این برای خودمان هم امنیت شغلی و امنیت اقتصادی ایجاد میکرد و برای اتباع بیگانه هم خوب بود و آنها می توانستند اتحادیه کارگری درست کنند ، این اتحادیه در مقابل دولت و حاکمیت ما پاسخگو بود و بسیج میشد تا اینها را ساماندهی کند و بر اساس حرفه و شغلشان و با توجه به وضعیت خانوادگی اینها برایشان شناسنامه کار صادر می کرد و این برای مآبوعات منفی نداشت و اتحادیه آنها پاسخگوی تمام مسائل آنها می بود.

فرستی را که بای تبدیل به تهدید کردیم:

الان ما به سمت و سویی میرویم که در آینده دچار فقر منابع انسانی در حوزه کارگر به بویژه کارهایی مثل مکنی گری میشویم اگر چنانچه ما فرهنگ کار آسان را پر مزیت نمی کردیم و برای آن جذبه و برجستگی ایجاد نمی کردیم و زمینه بوجود آمدن و رشد اینگونه کارها را فراهم نمی کردیم، امروز می توانستیم این تهدید را تبدیل به فرصت کنیم (خطاب به سردبیر) شما نگاهتان این است که این فرصت در اختیار نیروی انسانی داخلی قرار داده شود، به نظر من نیروی انسانی داخلی از این فرصت برای انجام کارهای سخت استقبال نخواهد کرد. مطمئن باشید اگر هم استقبال بکند با این حقوقی که مصوب شورایعالی کار است، تن به انجام این کارها نخواهد داد، مضافا اینکه اگر حقوق همان اسنپ راهم به او بدهی باز هم حاضر نیست که بیاید و در مشاغلی مثل مکنی گری و آب وفاضلاب کار کند، اینها نکات پنهانی است که اتفاق افتاده و در آینده دولت را برای تامین منابع نیروی انسانی در حوزه کارهای سخت با مشکل جدی مواجه خواهد کرد و ما از این جهت جدا نگران هستیم الان هم فرصت هست که از همین نیروی انسانی اتباع بیگانه که حضور دارند اینها را، رصد کنیم و بر اساس یک اصول علمی و منطقی از اینها استفاده بکنیم .

تشکلات کارگری در حال حاضر نمیتواند در این خصوص کاری انجام دهد:

به نظر من الان نمی توان هیچ اقدام عملی در این خصوص انجام داد و کمتر تشکل کارگری میتواند از منابع اتباع بیگانه دفاع کند چون همه نگران آینده هستند و از اینکه نگاه جامعه نسبت به تشکلی که از منافع اتباع بیگانه دفاع کند منفی شود جدا نگران هستند من بر اساس حفظ منافع ملی و منافع طبقه کارگر این حرف را دارم میزنم . بازار کار ما امروز تشنه منابه انسانی است اگر به یاری خدا رشد اقتصادی ما به ۱۳ الی ۱۶ درصد برسد متوجه معضلات بازار کار خواهید خواهید شد و بازار کار تشنگی خودش را نشان خواهد داد و این اتفاق درآیند خواهد افتاد.

من گاو هستم؛ پدر گوساله!

✕نشر: گاهنامه مدیر

در یک مدرسه راهنمایی دخترانه چند سالی مدیر بودم. روزی چند دقیقه مانده به زنگ تفریح، مردی با ظاهری آراسته وارد دفتر مدرسه شد و گفت: با خانم ناصری دبیر کلاس دوم کار دارم. می‌خواهم درباره درس و انضباط فرزندم از او سؤال کنم. از او خواستم خودش را معرفی کند. گفت: من گاو هستم! خانم دبیر بنده را میشناسند! بفرمایید گاو آمده! ایشان متوجه می شوند چه کسی آمده!

تعجب کردم و موضوع را به خانم ناصری، دبیر کلاس دوم گفتم. او هم تعجب کرد و گفت: ممکن است این آقا اختلال روانی داشته باشد. یعنی چه گاو؟ من که چیزی نمی فهمم! ناچار از او خواستم پیش آن مرد برود. با اکراه پذیرفت و رفت. مرد آراسته، با احترام به خانم دبیر ما سلام داد و خودش را معرفی کرد: من گاو هستم! معلم جواب سلام را داد و گفت: خواهش میکنم، ولی...

مرد ادامه داد شما بنده را به خوبی می شناسید. من گاو هستم، پدر گوساله! همان دختر ۱۳ ساله ای که شما دیروز در کلاس، او را به همین نام صدا زدید... دبیر ما به لکنت افتاد و گفت: آخه، میدونید... مرد گفت: بله، ممکن است واقعاً فرزندم مشکلی داشته باشد و من هم در این مورد به شما حق میدهم. ولی بهتر بود مشکل انضباطی او را با من نیز در میان می گذاشتید. قطعاً من هم میتوانستم اندکی به شما کمک کنم. خانم دبیر و پدر دانش آموز مدتی با هم گفتگو کردند...

آن آقا، در خاتمه کاردی را به خانم دبیر ما داد و رفت. وقتی او رفت، کارت را با هم

خواندیم. روی آن نوشته شده بود: دکتر فلائی عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه...

چند روز بعد از ایشان خواستم که یک جلسه برای معلمان صحبت کنند. در کمال تواضع خواسته ام رو قبول کردند. سخنرانی دلپذیری داشتند. ایشان می گفت: خشونت آن گونه که ما فکر می کنیم فقط محدود به خشونت فیزیکی و بدنی نیست. عموماً ما درگیری های فیزیکی یا تعرض جنسی را خشونت می دانیم. ولی واقعیت آنست که دامنه خشونت حوزه های گسترده تری دارد از جمله خشونت زبانی. وقتی توهین میکنیم، قومی را مسخره می کنیم، صاحبان یک عقیده را تحقیر می کنیم. وقتی تهمت یا برچسب می زنیم یا تهدید میکنیم همه این ها خشونت است؛ منتها خشونت زبانی بدون خون و خونریزی است.

خشونت زبانی از درون می کشد. تا حالا هیچ کس را دیده اید که به دلیل اینکه مسخره شده و یا فحش خورده باشد به اورژانس مراجعه کند؟ یا به پلیس شکایت کند؟ قربانیان خشونت زبانی، اثری از جای زخم بر بدنشان یا مدرک دیگری ندارند. خشونت ابتدا در ذهن شکل می گیرد بعد خود را در زبان نشان می دهد و سپس زمینه ساز خشونت فیزیکی میشود. وقتی رهبر یک گروه سیاسی در جامعه، افراد طرف مقابل را احق، مغرض و فاسد معرفی میکند، ما به عنوان طرفداران او آمادگی لازم را پیدا می کنیم که در زمان مناسب با ماشین از روی آنها رد شویم. چرا؟ چون دیگر آنها را شایسته زندگی نمی دانیم! وقتی در یک ورزشگاه صد هزار نفری، طرفداران تیم مقابل را با

ده ها فحش آبدار و ناموسی می نوازیم، زمینه را برای زد و خورد بعد از بازی فراهم میکنیم. وقتی ما جریان رقیب را فریب خورده و عامل دست دشمن معرفی میکنیم،

آنگاه حذف سیاسی و فیزیکی رقیب مشروعیت پیدا می کند. وقتی دختر همسایه را داف خطاب می کنم، راننده کناری را بابو، مشتری را گاو، دانش آموز را خنگ و فرد قانون مدار را اسکل، همه این خشونت های زبانی یعنی آمادگی برای خشونت رفتاری در آینده؛ از تعرض جنسی بگیری تا صدمه فیزیکی. چه باید کرد؟ اولین کار این است که مهارت گفتگو را بیاموزیم. فقدان مهارت های گفتگو باعث می شود افراد نتوانند آن چه که مدنظر دارند را به زبان روشن بیان کنند و ایده و احساس خود را در یک کلام خشن و تند تخلیه می کنند. تمرین گفتگو، تمرین تخلیه ذهن و قلب به شیوه ای غیر خشونت آمیز است. دومین کار این است که به خودمان بارها و بارها یادآوری کنیم کشتن آدم ها فقط به فرو کردن چاقو در سینه آنان نیست. دختر یا پسر، زن یا مردی که شخصیت اش تخریب شده، شرافت اش لکه دار شده، عزت نفس اش لگدمال شده دیگر زندگی نرمال نخواهد داشت. به خود یادآوری کنم که جریان رقیب من، تیم مقابل، صاحبان دین و مذهب و اندیشه متفاوت از من، نه بی شعور هستند نه فاسد، نه احق نه هوس باز، نه فریب خورده نه ... آن ها فقط انسان هستند، درست و دقیقاً مانند من! آنگاه یاد خواهم گرفت کلمه گاو را فقط و فقط برای خود گاو بکار بگیرم نه کمتر و نه بیشتر!

گاهنامه مدیر = گاهواره دانایی

لطیفه ای شنیدنی که واقعیت تلخی را بیان میکند:

لطیفه جالبی بین مردم برزیل رواج دارد که نگرشی در قبال کارهای دولتی به دست می دهد.

دو شیر از باغ وحشی می گریزند و هر کدام راهی را در پیش می گیرند. یکی از شیرها به یک پارک جنگلی پناه می برد، اما به محض آن که بر اثر فشار گرسنگی رهگذری را می خورد به دام می افتد.

ولی شیر دوم موفق می شود چند ماهی در آزادی به سر ببرد و هنگامی هم که گیر می افتد و به باغ وحش بازگردانده می شود حسابی چاق و چله

است.

شیر نخست که در آتش کنجکاوی می سوخت از او پرسید: «کجا پنهان شده بودی که این همه مدت گیر نیفتادی؟!»

شیر دوم پاسخ می دهد:

«توی یکی از ادارات دولتی».

هر سه روز در میان یکی از کارمندان اداره را می خوردم و کسی هم متوجه نمی شد !!!

بدهی دولت به تأمین اجتماعی باید با سود مرکب پرداخت شود



فوری دولت برای پرداخت کامل بدهی ها به همراه سود مرکب هستیم، کارگران و بازنشستگان اجازه نخواهند داد حقوق شان نادیده گرفته شود.

خواهد شد. عدم بازپرداخت کامل مطالبات سازمان تأمین اجتماعی موجب کاهش توان این نهاد در ارائه خدمات درمانی، بازنشستگی و حمایت های اجتماعی شده و فشار بیشتری بر بازنشستگان و کارگران کم درآمد تحمیل می کند. ما خواستار اقدام

تأمین اجتماعی تنها پشتوانه معیشتی میلیون ها کارگر و بازنشسته است، دولت نباید صرفاً اصل بدهی را بپردازد، بلکه باید سود ناشی از تأخیر و انباشت بدهی ها نیز محاسبه و به صندوق بازگردانده شود. در غیر این صورت حقوق قانونی کارگران تضییع

اجتماعی را بدون احتساب سود مرکب نمی پذیرند. این بدهی ها متعلق به جامعه کارگری است و تأخیرهای طولانی مدت دولت در پرداخت آن، خسارت های فراوانی به صندوق و معیشت بازنشستگان وارد کرده است.»

محمدعلی ترکاشوند، فعال کارگری و عضو هیئت مدیره اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با انتقاد از نحوه پرداخت بدهی های دولت به سازمان تأمین اجتماعی: «کارگران و بازنشستگان، بازپرداخت بدهی دولت به تأمین

نکات الهام بخش سبک زندگی سالمندی



معرفی کتاب

کتاب «سالمندی سالم» اثر سید امیر حسین بتولی و مینوسی سختی کتابی در مورد دوران سالخوردگی و چگونگی بهبود بخشیدن کیفیت آن است. در این کتاب نویسندگان نکاتی در مورد تغییر سبک زندگی را برای مخاطب سالمندخود بیان میکنند. سالمندان با بهره جویی از نکات ذکر شده در این اثر میتوانند ایام سالمندی سالم و با آرامشی را در کنار خانواده و اعضای جوانتر بگذرانند. این کتاب که در دسته ی کتابهای بهداشت سالمندان قرار میگیرد به شدت به افرادی که به ایام سالمندی خود نزدیک شده اند و به دنبال پیدا کردن سبک زندگی سالم و پر نشاطی برای گذران این ایام هستند توصیه میشود.

۱۲) «سالمندان باید به خواب و استراحت کافی توجه کنند؛ خواب مناسب به بهبود سلامت روان و جسمی آنها کمک میکند و انرژی روزانه را افزایش میدهد.»
۱۳) «پیشگیری از افسردگی در سالمندان نیازمند شناسایی علائم اولیه و حمایت از آنها در ایجاد ارتباطات مثبت و فعال است.»
۱۴) «توجه به بهداشت جسمی و روانی با مشاوره پزشکی منظم میتواند به سالمندان کمک کند تا از مشکلات جدی جلوگیری کنند و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند.»
۱۵) «سالمندان باید به یاد داشته باشند که تغییرات جسمی طبیعی هستند و باید پذیرش آنها به دنبال راههایی برای سازگاری با این تغییرات باشند.»
۱۶) «تغذیه غنی از مواد مغذی و ویتامینها به سالمندان کمک میکند تا سیستم ایمنی خود را تقویت کنند و از بیماریها پیشگیری نمایند.»
۱۷) «حفظ روابط عاطفی و اجتماعی به سالمندان احساس امنیت و خوشحالی میدهد و به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک میکند.»

۱۸) «تحرك بدنی موجب ترشح هورمونهای خوب در بدن میشود که به بهبود خلق و خو، و کاهش استرس کمک میکند.»
۱۹) «تشويق به فعاليتهاي داوطلبانه به سالمندان احساس هدفمندی میدهد و موجب میشود که آنها احساس کنند که بخشی از جامعه هستند.»
۲۰) «سالمندان باید فرصتهایی برای یادگیری و تجربه های جدید پیدا کنند؛ این کار به حفظ سلامت ذهنی و روحی آنها کمک میکند.»

۱) «سالمندی نه پایان زندگی، بلکه آغاز مرحله ای جدید است که در آن میتوانی به تجربیات گذشته و درسهای زندگی خود ارزش بیشتری بدهی و به رشد شخصی ادامه دهی.»
۲) «سالمندان باید به یاد داشته باشند که کیفیت زندگی به انتخابها آنها بستگی دارد داشتن تغذیه سالم و فعالیت بدنی مناسب و ارتباط اجتماعی خوب میتواند زندگی را برای آنها پربارتر و جذابتر کند.»
۳) «لازمه بهبود سلامت روان، در سالمندان نیازمند ایجاد ارتباطات اجتماعی مثبت و فعال نگه داشتن ذهن است یادگیری و فعالیتهای گروهی در این زمینه بسیار مؤثر هستند.»
۴) «سالمندی سالم مستلزم پذیرش تغییرات طبیعی و استفاده از آنها به عنوان فرصتی برای یادگیری و رشد است، نه محدودیت.»
۵) «تحرك بدنی منظم در سنین بالا نه تنها به حفظ سلامتی جسمی کمک میکند، بلکه تأثیر مثبتی بر روحیه و سلامت روان دارد.»
۶) «تغذیه مناسب و متوازن در سالمندی میتواند به پیشگیری از بسیاری از بیماریها و بهبود کیفیت زندگی کمک کند؛ توجه به نیازهای غذایی خاص این دوران ضروری است.»
۷) «مدیریت استرس و آرامش ذهنی به سالمندان کمک میکند تا با چالشهای زندگی بهتر کنار بیایند و از زندگی خود لذت بیشتری ببرند.»
۸) «مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی به سالمندان احساسات تعلق و ارزشمندی میدهد و به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک میکند.»
۹) «یادگیری مداوم و حفظ مطلب ذهن را فعال نگه میدارد و از زوال عقل جلوگیری میکند و به سالمندان کمک میکند تا در زندگی روزمره خود را مشغول نگه دارند.»
۱۰) «حفظ استقلال در سالمندی به معنای انجام کارهای روزمره و اتخاذ تصمیمات مستقل است که به ایجاد حس رضایت و خوشبختی کمک میکند.»
۱۱) «فعالیت های هنری و خلاقانه میتواند به سالمندان کمک کند تا احساسات خود را بهتر ابراز کنند و از زندگی لذت بیشتری ببرند.»

دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تامین اجتماعی و مشاور عالی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی

بیمه‌ها در تاب‌آوری دوره جنگ و پساجنگ



با واسطه این کار را انجام می‌دادند و بیمه نمی‌شدند «آن گروه از افغانستانی‌های پولدار در ایران، پول‌های خودشان را به کشورهای اروپایی می‌فرستادند، آن‌ها هم که پولدار نبودند پول خودشان را به افغانستان می‌فرستادند، چنین افرادی چه طور می‌توانستند علقه و علاقه‌ای به ایران پیدا کنند؟ بنابراین اتباع شاغل در ایران باید بیمه می‌شدند، چون این کار را انجام ندادیم تبدیل به چالش در محیط کسب و کار شد، خیلی از بنگاه‌ها از اتباع افغانستانی استفاده کردند چرا که آن‌ها را بیمه نمی‌کردند و نیروی کار ارزان به‌شمار می‌آمدند، برای همین اتباع فرصت‌های شغلی جوانان ایرانی را گرفتند.» ر وضعیتی هستیم که نظام رفاهی و نظام بیمه‌ای ما باید پذیرای افراد غیرایرانی باشد و ما باید برای یک نظام تامین اجتماعی چند ملیتی آماده باشیم. متأسفانه ما در کشور برعکس این عمل کردیم. بنابراین وقتی نیروی کار افغانستانی در ایران بیمه نمی‌شود تبدیل به یک نیروی کار ارزان خواهد شد، نیروی کاری که خیلی از کارفرماها برای کاهش هزینه تمایل دارند آن‌ها را به خدمت بگیرند، همین مسئله سبب شد در برخی مشاغل دست نیروی کار ایرانی از کار دور بماند و زمینه‌ساز ایجاد مشکل میان اتباع مهاجر و جمعیت میزبان شود.

سال‌های گذشته در ایران نادیده گرفته شد، حق مالکیت خصوصی آن‌ها بود، اگر کشوری از ابتدا شرایط پذیرش مهاجر را مناسب انتخاب کند می‌تواند به آن‌ها اجازه دهد مالک یک خانه یا خودروی سواری و خط تلفن همراه شوند، این‌ها حداقل‌هایی بودند که مهاجران افغانستانی حاضر در ایران از آن‌ها برخوردار نبودند. اگر مهاجران افغانستانی شاغل در ایران بیمه می‌شدند بخشی از درآمد آن‌ها در ایران می‌ماند و ضمن این که یک علقه و علاقه به ایران پیدا می‌کردند، درحالی که ما یکسری افراد را آوردیم در ایران کار کنند اما آن‌ها امکان مالکیت نداشتند یا

عدم اعطای حق مالکیت به افغانی‌ها و بیمه نبودن اینها برای کشور تبعات وهزینه های سنگینی دربرداشت ودارد:

به افغانستانی‌ها حق مالکیت خصوصی ندادیم چطور انتظار داریم که آنها علقه و علاقه ای به ایران پیدا کنند، ما برای افغانی‌ها هزینه کردیم ولی ازمنافعی که حضور آنها داشت بهره نبردیم و فقط کارفرماها که کسر کوچکی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند از این منافع بهره بردند و این دور از عقلانیت و منطق است، چالش ایرانی‌ها با افغانستانی‌ها از محیط کسب و کار شروع شد. یکی از حقوق مهاجران که در تمام

مالی برای جبران کسری نقدینگی ناشی از اختلال در روند پرداخت حق بیمه‌های دولت، تخریب، هک، نفوذ اختلال و پارازیت در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مربوط به ارائه خدمات، کاهش میزان اندوخته‌گذاری بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری به‌خاطر کسری تعهدی و نقدی، افت نیروی انسانی و سرمایه انسانی، کاهش میل به اشتغال و فعالیت و مشارکت اقتصادی به‌سبب یارانه‌پردازی غیرهدفمند، افت نیروی انسانی بخش درمانی (خسارات جانی و بدنی، مهاجرت و...)، استهلاک تأسیسات و تجهیزات اداری و درمانی، افزایش هزینه‌های درمان، بیمه درمان، دارو و تجهیزات پزشکی، کاهش نرخ جایگزینی واقعی به‌سبب کاهش ارزش پول ملی و عدم کفایت مزایا، افزایش نرخ تورم و لزوم متناسب‌سازی حقوق مستمری‌گیران، باتوجه به افزایش هزینه‌ها، کاهش نسبت وابستگی از ناحیه افزایش روند خروند بیمه‌شدگان، و افزایش هزینه مستمری‌های برقراری (ازکارافتادگی و بازماندگان) نام برد. ایجاد سازمان مردمی احسان و نیکوکاری به‌عنوان پدافند اجتماعی و نظام جامع، چندلایه و فراگیر تأمین اجتماعی می‌تواند مفری باشد.

یکی از کارکردهای تأمین اجتماعی ایجاد اطمینان خاطر و امید به آینده است و بیمه‌های اجتماعی جنگ را پوشش می‌دهند زیرا حق مردم و تکلیف دولت است. جنگ اثرات مضاعف می‌گذارد و برای تاب‌آوری باید پیش‌بینی شود. در چرخه منابع و مصارف، بیمه‌های اجتماعی در جنگ با افزایش تقاضای بازنشستگی و بیمه بیکاری، ازکارافتادگی، فوت خروج سرمایه و تعدیل و اخراج نیروها مواجه می‌شوند چنان‌که در همین جنگ ۱۲ روزه، با این‌که فقط ۱۷ استان درگیر بودند و در بعضی استان‌ها تنها یکی دو مکان نظامی مورد حمله قرار گرفت اما این آسیب‌ها اتفاق افتاد.

ازجمله اثرات جنگ و پساجنگ بر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی می‌توان از کاهش نسبت وابستگی از ناحیه کاهش روند ورود بیمه‌شدگان، کاهش حق بیمه‌های پرداختی و کمک‌ها و اعتبارات دولتی به‌سبب افزایش هزینه مالی دولت، کاهش حق بیمه دریافتی بیمه‌شدگان به‌سبب افت نیروی انسانی (ازکارافتادگی کلی، بازماندگان و...)، کاهش سود کارخانجات و بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی، کاهش ارزش ذخایر بیمه‌ای در اثر رکود، تورم و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، هزینه‌های تأمین

بیانه خانه کارگر استان مازندران در خصوص اظهارات استاندار محترم مازندران در خصوص حجاب و عفاف:



عزیز بدانند و اگر نقادان نظر و نیتی غیر از دلسوزی برای اسلام و عفاف و حجاب در این هجمه در سرداشتند، آنان را واگذار به خداوند بزرگ کرده و برای هدایت آنان طلب توفیق فرمایند.
زنده باد جمهوری اسلامی ایران عزیز و من الله التوفیق نصرالله دریابیک

در کارنامه خود افتخار حضور در جبهه جنگ و جهاد علیه متجاوزین به وطن را دارد و در مدت کوتاه مسئولیت خویش، متشاء خدمات قابل تحسینی برای استان مازندران بوده است، کماکان حمایت خود را از حاکمیت و رهبری معظم، همچنین دولت وفاق اعلام و حمایت از استاندار را برای پیشبرد امور و به ثمر نشستن طرح‌ها و برنامه‌های در پیش گرفته شده‌اش برای استان را ضروری می‌دانیم. ضمن آنکه از آقای یونسی انتظار داریم تا انتقادهای و نقدهای انجام شده را به خیر و صلاح خود تفسیر و برداشت فرموده، آنرا غنیمتی برای استمرار راه جهاد گونه خود برای سربلندی و پیشرفت مردمان دیار ولایی مازندران بزرگ و

و اخلاقی، و حرکتی صرفاً» سیاسی تلقی می‌نماییم.
ثانیاً: از جناب آقای یونسی و به طور عموم از همه مسئولان و متولیان امور و کارگزاران تقاضا داریم تا از هرگونه بیان شتاب زده در حوزه‌های مختلف که موجب تفسیر و تعبیرات و مصادره به نفع برای رقبای سیاسی را فراهم نماید، جدا اجتناب و در ورود به این مسائل نهایت احتیاطات لازم را رعایت فرمایند.
ثالثاً: قطعاً احاد ملت، مسئولان خود را تنها به یک اظهار نظر شتاب زده قضاوت ننموده بلکه کار و تلاش جهادی مسئولان را ملاک قضاوت قرار خواهند داد در این بین با پاسداشت و قدردانی از تلاش مجدانه و شبانه روزی جناب آقای یونسی استاندار محترم مازندران که

بلافاصله پس از آن سخنرانی بدون هیچ ابهامی، روشن و شفاف با اعلام برائت از هرگونه نیت خلاف ارزش‌ها در حوزه عفاف و حجاب آن سخن کوتاه را دور از برداشت دوستان منتقد خود اعلام کرد، به غیر آن سیره رفتاری و گفتاری و کرداری آقای یونسی تاکنون هیچ همسویی با تعبیر و تفسیر آقایان منتقد در حوزه عفاف و حجاب نداشته است.

لذا ضرورت ملاک قضاوت قرار گرفتن بیان و عملکردش قبل و بعد از این سخنرانی در حوزه عفاف و حجاب را دو چندان نموده است. مع الوصف ادامه واکنش‌های منفی آنهم با آن ادبیات دور از اخلاق دینی و ملی را خلاف تعالیم دینی

به اطلاع می‌رساند، خانه کارگر با اعتقاد راسخ به هنجارها و ارزشهای والای دینی و ضرورت حفظ شعائر و معنویات در زندگی فردی و اجتماعی از یکسو و از سویی دیگر ضرورت حفظ انسجام و وحدت در بین اقشار جامعه در این شرایط حساس کشور که از هر سو مورد هجمه طیف معاندین دین و میهن قرار دارد، مطالب ذیل را بر عموم، بویژه اعضای محترم یادآور و مورد تاکید قرار می‌دهیم.

اولاً: با بررسی دقیق مطالب ابرازی آقای استاندار در جلسه اصحاب رسانه در موضوع قانون عفاف و حجاب و با ملاک قراردادن حدیث منقول از معصوم (ع) که می‌فرماید «الاعمال بالثبات»، و اینکه آقای یونسی به‌صورت واضح و روشن



با یاد خدای سبحان و ستار، هم او که افراد را به نیت و عمل مورد قضاوت قرار می‌دهد، و با درود و احترام به مقام ارزشمند فقه غنی و پویای شیعه، در پی برداشت‌های متفاوتی که قسمتی از سخنان استاندار محترم مازندران در موضوع عفاف و حجاب مورد قضاوت از سوی اشخاص و افراد قرار گرفت و در پی سوالات مطروحه از سوی بعضی از اعضای محترم خانه کارگر

خدایا ما چه چیزمان شبیه پیغمبر تو است !!!

— تو که در مکه روزگاری آوازخوان جوانان بودی، چطور شد که محتاج شدی؟
— پس از جنگ بدر کسی برای آوازخوانی سراغ من نمی‌آید، فراموش خاص و عام شده‌ام، به سختی زندگی می‌کنم. پیامبر (ص) به خاندان خود دستور دادند که به آن زن کمک کنند. آنان کمک کردند و به او جامه و مرکب و پول دادند.
عجیب روایتی است! هم عجیب و هم غریب!
یکی اینکه این زن موقعی که در مکه خواننده بوده، هم از پیامبر کمک می‌گرفته و هم پیامبر پناه او بوده است. دوم اینکه نفرمود قول بده خوانندگی نکنی تا کمکت کنم، بلکه دستور داد کمکش کنند.
سوم اینکه هنوز مشرک بود و نمی‌خواست مسلمان شود، آمد کمک گرفت و رفت!
خدایا! ما چه چیزمان شبیه پیامبر تو است؟
ترجمه کتاب الحیاء تألیف علامه محمدرضا حکیم، جلد نهم، ص ۲۳۲، نشر الحیاء، چاپ اول،

عملکردفعلی ما با کدام آیه قرآن وحدیث قدسی وسیره نبوی وعقل سلیم مطابقت دارد !!!
چرا اینگونه عمل میکنیم !!!
ساره، دو سال پس از جنگ بدر از مکه به مدینه آمد و نزد پیامبر اکرم (ص) رفت. پیامبر به او فرمود:
— مسلمان شده‌ای؟
— نه
— برای قبول دین اسلام به مدینه آمده‌ای؟
— نه
— پس برای چه آمده‌ای؟
— شما همیشه برای ما پناه و پشتیبان بودند، اکنون من پشتیبانی ندارم و نیازمند شده‌ام. آمده‌ام تا به من کمک کنید؛ نه جامه‌ای دارم، نه مرکبی و نه پولی که زندگی ام را بگذرانم.

گزارش تصویری از برگزاری مراسم روز خبرنگار و تجلیل از خبرنگاران و روزنامه نگاران فعال در عرصه رسانه‌ی حوزه تشکلات کارگری



آگهی مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

به اطلاع اعضای اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری می‌رساند مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۷، ساعت ۱۰:۰۰ صبح در محل خانه کارگر تهران واقع در خیابان انقلاب، خیابان ایوریخان، نبش خیابان روانمهر، پلاک ۳۶ برگزار می‌گردد.

دستور جلسه:

۱. ارائه گزارش هیأت مدیره و بازرسین
 ۲. ارائه گزارش خزانه دار
 ۳. تعیین روزنامه کثیرالانتشار
 ۴. انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرسین
- از کسانی که کاندیدای هیأت مدیره و بازرسین می‌باشند تقاضا می‌شود در صورت داشتن شرایط موضوع ماده ۴۳ و ۱۰ اساسنامه درخواست کتبی خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۳ به دفتر مرکزی اتحادیه تحویل دهند.
- آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ایوریخان، نبش خیابان روانمهر، پلاک ۳۶، خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران، دفتر مرکزی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

حسن صادقی

رئیس هیأت مدیره اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

عزم جزم کرده ایم تا گوش شنوای درد، دل‌های شما باشیم

ستون سنگ صبور

محمد حسین اصفهانی:

اینطور به نظر میرسد که یکی از مخالفان برگشت پاک رفاه به دامن سازمان تامین اجتماعی مدیر عامل این بانک می‌باشد به این دلیل که قبلاً پرداخت حقوق بازنشسته‌ها از ۲۰ هر ماه شروع میشد ولی الان این پرداخت به آخر ماه موکول شده است، همچنین این پیشکسوت عزیز معتقد است چون حقوق بازنشسته‌ها در حساب آنها نزد بانک رفاه باقی می‌ماند و بازنشسته کم کم و در طول ماه آنرا برداشت می‌کند این مانده حقوق نزد بانک برای بانک سود آور است.

جواب سردبیر به این پیشکسوت گرامی: دوست ارجمند درخصوص انتقال پرداخت حقوقها از ۲۰ هر ماه به آخر ماه شاید جداسازی بانک رفاه از دامنه سازمان تامین اجتماعی در این امر مؤثر بوده ولی این همه ماجرا نیست، درخصوص پرداخت حقوقها در ۳ روز آخر ماه نشریه در شماره خرداد ماه ۴۰۴ مصاحبه مفصلی با جناب آقای دکتر علیرضا حیدری نائب رئیس محترم اتحادیه انجام داده است توصیه میکنم حتماً آنرا مطالعه بفرمایید لازم به یاد آوریم که فایل pdf نشریه مربوط به ماه خرداد، برای این پیشکسوت محترم در پیام رسانیهای ایتا، واتساپ، ارسال شد.

سرکارخانم وحدت برخورد بسیار خوب و شایسته ای داست و با مهربانی مراجعه کنندگان را راهنمایی میکرد.

درد دل یک پیشکسوت بی نام و نشان:

آیا حکومت عدل امام علی (ع) نیز اینگونه بود و چنین رفتار میکرد؟! یک پیشکسوت با پرسش این سوال اعتراض شدید خود را نسبت به عملکرد و برخوردی که در رابطه با، بانک رفاه و سازمان تامین اجتماعی صورت میگيرد، بیان کرده و نوشته که صندوق تامین اجتماعی و بانک رفاه کارگران که با حق بیمه ای که در اثر عرق جبین کارگران و باخون دل خوردن های آنها تاسیس شده در اثر بی لیاقتی و بی کفایتی برخی از مدیران، غرق در مشکلات عدیده و پیچیده شده و بانک رفاه در معرض جدا شدن از سازمان می باشد حتی با، از این نیز فراتر گذاشته است و معتقد است که عملکرد مسئولین فعلی باعث روسفیدی مسئولین نظام قبلی شده است و با این جمله نوشته خود را به پایان برده است: ممکن است که بازنشسته قلم نداشته باشد ولی قدم دارد.

جواب سردبیر نشریه به کلام آخر این عزیز پیشکسوت: بزرگوار ما آمده ایم تا قلم شما باشیم مارا در این راه یاری رسانید.

خانمها و کیلی و ملکی از اعضای هیئت مدیره و بازرسین اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری:

این ۲ پیشکسوت محترم طی بازدیدی که در مردادماه از بیمارستان رهی معیری تهران داشتند گزارشی را در این خصوص به ریاست اتحادیه که رئیس کمیته درمان سازمان تامین اجتماعی نیز هست ارائه دادند که در ذیل آورده میشود:

۱- اخذ نوبت برای افراد مسن و کسانیکه از دانش اینترنتی برخوردار نیستند بسیار سخت است.

۲- در قسمتهای ویزیت پزشک و فیزیو تراپی ازدحام جمعیت بسیار زیاد است. لازم به ذکر است که عمل فیزیوتراپی در هر نوبت برای یک قسمت از بدن انجام میشود و اگر نقاط بیشتری از بدن به فیزیوتراپی نیاز داشت لازم که برای هر کدام مجدداً نوبت اخذ شود و این سخت و زمانبر است.

۳- اگر بیمار نیاز به نوار عضله داشت نوبت داده نمی شود لذا باید بیمار به بیمارستان شفا یحییان مراجعه کند و بابت آن هزینه زیادی پرداخت کند.

۴- متأسفانه با توجه به اینکه در یک مرکز درمانی قرار داریم نظافت رعایت نشده بود و محیط از نظر بهداشتی بسیار کثیف و غیر قابل قبول بود.

نکته درخور و قابل توجه اینکه در واحد پذیرش درمانگاههای بیمارستان